

روزنه بصیر



هیئت تحریریه:
اسماء اسکندری نسب ، آسیه امان اللهی ، زهرا بابایی، نسیمه
برآهویی، کاظم بروسان، مرتضی خالقی، مریم روزبهانی، علیه
محمدزاده، عماد متی پور ، مهدیه نخعی

مدیر مسئول: مرتضی خالقی
جانشین مدیر مسئول: رحمان فلاح باقری
سر دبیر: علیه محمدزاده

صفحه آرایی: محمد خالوئی

دوستانی که دیروز از او استقبال کردند هم عبوس و خشک، در لباس های بسیار مندرس و کثیف بودند. با تعجب از شیطان پرسید «انگار آن روز من اینجا منظره دیگری دیدم؟ آن سرسبزی ها کو؟ ما شام بسیار خوشمزه ای خوردیم؟ زمین گلف؟ ...»
شیطان با خنده جواب داد: «آن روز، روز تبلیغات بود...امروز دیگر تو رای داده‌ای».

مریم روزبهانی



در آسانسور که باز شد، سناتور با منظرهء جالبی روبرو شد. زمین چمن بسیار سرسبزی که وسط آن یک زمین بازی گلف بود و در کنار آن یک ساختمان بسیار بزرگ و مجلل. در کنار ساختمان هم بسیاری ازدوستان قدیمی منتظر او بودند و برای استقبال به سوی او دویدند. آنها او را دوره کردند و با شادی و خنده فراوان از خاطرات روزهای زندگی قبلی تعریف کردند. سپس برای بازی بسیار مهیجی به زمین گلف رفتند وحسابی سرگرم شدند. همزمان با غروب آفتاب هم همگی به کافه کنار زمین گلف رفتند و شام بسیار مجللی از اردک و بره کباب شده و نوشیدنی های گرانبها صرف کردند. شیطان هم در جمع آنها حاضر شد و همراه با دختران زیبا روز لذت بخشی داشتند. به او آنقدر خوش گذشت که واقعاً نفهمید یک روز او چطور گذشت. راس بیست و چهار ساعت، فرشته به دنبال او آمد و او را تا بهشت اسکورت کرد. در بهشت هم با جمعی از افراد خوش خلق و خونگرم آشنا شد، به کنسرت های موسیقی رفتند و دیدارهای زیادی هم داشتند. آنقدر خوش گذرانده بود که واقعا نفهمید که روز دوم هم چگونه گذشت، گرچه به خوبی روز اول نبود.
بعد از پایان روز دوم،به دنبال او آمدند و از او پرسیدند که آیا تصمیمش را گرفته؟
گفت «خوب راستش من در این مورد خیلی فکر کردم. حالا که فکر می کنم می بینم بین بهشت و جهنم من جهنم را ترجیح می دهم» بدون هیچ کلامی، او را سوار آسانسور کرد و آن پایین تحویل شیطان داد. وقتی وارد جهنم شدند، اینبار بیابانی خشک و بی آب و علف را دید، پر از آتش و سختی های فراوان.

طنز مرگ یک سیاست مدار

یکی از سیاستمداران معروف ، درست هنگامی که از درب سنا خارج شد، با یک اتومبیل تصادف کرد و در دم کشته شد.
روح او در بالا به دروازه های بهشت رسید و فرشته از او استقبال کرد. «خیلی خوش آمدید. این خیلی جالبه. چون ما به ندرت سیاستمداران بلند پایه و مقامات رو دم دروازه های بهشت ملاقات می کنیم. به هر شما هم درک می کنید که راه دادن شما به بهشت تصمیم ساده ای نیست»
مرد گفت «مشکلی نیست. شما من را راه بده، من خودم بقیه اش رو حل می کنم»
فرشته گفت «اما در نامهء اعمال شما دستور دیگری ثبت شده، شما بایستی ابتدا یک روز در جهنم و سپس یک روز در بهشت زندگی کنید. آنگاه خودتان بین بهشت و جهنم یکی را انتخاب کنید»
مرد گفت «اشکال نداره. من همین الان تصمیمم را گرفته ام. میخواهم به بهشت بروم»
سن پیتز گفت «می فهمم. به هر حال ما دستور داریم. ماموریم و معذور»
و سپس او را سوار آسانسور کرد و به پایین رفتند. پایین ... پایین... پایین... تا اینکه به جهنم رسیدند.

روایتی از نحوه اسلام آوردن دانشجوی هندی که بعد جانباز شد!!!



اهل پنجاب هندوستان و دانشجویی فنی مهندسی بودم که تصمیم گرفتم برای تحصیل به آلمان بروم .در آنجا بیمار شدم وبعد به هلند و از آنجا به لبنان . بدلیل کمبود پول ترکیه واز آنجا به تهران آمدم. میخواستم کار کنم و پول برگشتم به هند را فراهم کنم. آنجا با فردی آشنا شدم که دنبال کارگر تراشکاری بود ، من هم قبول کردم وهمراهش به رفسنجان آمدم که چند ماه کارکنم و با پولی

شهید شدند.
در عملیات پاسگاه زید شرکت کردم خیلی از بچه ها آنجا شهید شدند . من تاحدودی با وضعیت جنگ آشنا شده بودم. بعد از آن در عملیات والفجر ۲شرکت کردم وبرای اولین بار در این عملیات بود که ترکش خمپاره به سرم خورد و مجروح شدم. مدت ۲۱روز در بیمارستان آیت الله کاشانی اصفهان بستری شدم . درعملیات بدر شرکت کردم وآنجا شیمیایی شدم بعد از آن درعملیات فاو وبعد هم به حلبچه رفتم .
زمانی که قطعنامه امضا شد ما به خیال اینکه جنگ تمام شده ، خوابیده بودیم که شب عراقی ها تک زدند وخیلی از بچه ها اسیر کشته وزخمی شدند ومن در همان جا برای بار دوم مجروح شدم وبه بیمارستان مسلم شیراز منتقل شدم وبعد هم پاهایم از زیر زانو قطع شد.
جاذبه اسلام از دید ایشان: وقتی در مورد امام حسین (ع) ، حضرت زهراء (س) ، حضرت محمد(ص) وامام علی (ع) خواندم از خود بی خود شدم واسلام را بهترین دین دیدم وهمه چیز را به خدا واگذارکردم.
حال ایشان وقتی امام از دنیا رفت : از صبحی که خبر را شنیدم ، ۳شبهانه روز گریه کردم .
بالین حال ایشان میگفتند که من مدیون اسلام وامام خمینی هستم وکاری نکردم.

به کوشش اسماء اسکندری نسب



دیدشان بیشتر میشد.حجر ابن عدی از صحابه ی رسول خدا(ص) و سپس از یاران با وفای امیر المومنین (ع) و از بازوان ایشان در جنگهای صدر اسلام بود.و ضمن اینکه خود به شهادت رسید ، پدر چهار شهید نیز بود.

این قوم وحشی پس از تخریب مزار وی ، پیکر سالم حجر را با خود به سرقت بردند. دشمنان اسلام با این عمل، خود را مفتضح نمودند و اسلام تصویری جدید از حقانیت خود را به جهانیان نمایان ساخت. دشمنان اسلام در تلاشی بیهوده اند و خود را با دستان خود نابود میکنند و همانا دوزخ جایگاه کافران است .

عماد متی پور

آجرک ا... یا صاحب الزمان (عج)

اخیرا تروریست های وهابی درون خاک سوریه ،دست به بی حرمتی نچندان جدیدی زده اند. نبش قبر یکی از صحابه ی بزرگ پیامبر(ص)، حجر ابن عدی .این اولین عمل زشت و غیر اخلاقی فرقی ضاله ی وهابیت نسبت به قبور بزرگان شیعه نیست و نخواهد بود. این قوم مرتجع معتقدند چون اجساد مردگان از بین میرود پس شفاعت و توسل به امامان و معصومین کاری بیهوده است حال آنکه به شهادت قرآن کریم ،شهیدان زنده اند و جاودان.
ای کاش این قوم جاهل به جای نبش قبر حجر ابن عدی به نبش قبر تاریخ و عزت اسلام و عبرت های آن می پرداختند شاید وسعت

متأسفانه حرف جناح و خط و خطوط، بیش از اندازه همه‌گیر شده است. البته یک مقدارش بد نیست؛ نمکی است در مجموعه‌ی نظام! به قول خودشان، جناح راست، جناح چپ؛ افتخار هم می‌کنند. بنده از این اسمها - راست و چپ و امثال اینها - هیچ خوشم نمی‌آید. وقتی خیلی همه‌ی شئون زندگی را بگیرد، حقیقتاً دیگر کسل کننده و زنده می‌شود. نبایستی روی این جناح و این‌طور چیزها خیلی تکیه کرد.

مقام معظم رهبری مدظله العالی

؟ اخبار اخبار اخبار اخبار اخبار اخبار ؟

آیت‌الله یزدی:

مسئولیت‌ها را به بهانه نزدیکی انتخابات رها نکنیم

رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: بعضی مسئولان که سمت‌های بالایی دارند به بهانه انتخابات و اینکه دست و دلشان به کار نمی‌رود سست می‌شوند؛ به اینها باید گفت مگر کارتان را برای رئیس جمهور انجام می‌دادید؟



خبرگزاری فارس

مهارت آموزی، حوادث ناشی از کار را کاهش می دهد



اختصاصی/ وزیر تعاون، کار ورفاه اجتماعی

خبرگزاری ایرنا

دین مردم در خطر است ...

بگم بگم ها و افشاکری‌ها حرام است ... دولت آینده باید صادق و راستگو باشد...



حضرت آیت الله سیستانی یک جمله ای دارند و به برخی از بزرگان و علما سفارش کرده بودند که مردم دینشان را از راه اعتماد به بزرگان و علمای خود دارند و اگر اعتماد مردم سلب شود

دین مردم هم از دست می رود و متزلزل می شود. الان

اعتماد مردم به راستگویی دولتمردان از بین رفته است. مردم اعتمادی به حرف ها و وعده ها ندارند و در عمل نیز تخلفات عدیده ای می بینند. این پرونده های اختلاس که شوخی نیست. این ها مردم را متزلزل می کند و اعتماد آنها را از بین می برد

فردا نیوز

سرویس‌های اطلاعاتی انگلستان و عربستان برای همراهی با یک کاندیدا فعال شدند ...

سعودی‌ها به دنبال رای مردم بلوچستان برای کاندیدای خاص!!!



ما الان داریم می بینیم که ارتباطاتی که قبلا به طور وسیع شکل گرفته بود، مجدداً با قدرت فعال شده است طوری که گویی این ارتباطات اساساً برای همین روزها شکل گرفته بود. انگلستان تنها نیست. سعودی ها هم فعال شده اند و با هم هماهنگ هستند

رجا نیوز

زاکانی در جمع دانشجویان دانشگاه قم:

– هاشمی ظرفیت پیروزی ندارد... – دولت اصلاحات ادامه دولت سازندگی بود...



کاندیدای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری گفت: هاشمی و تمام کسانی که به او کمک می‌کنند ظرفیت پیروزی ندارند و تنها در صورت تفرقه اصولگرایان موفق می‌شوند بنابراین اصولگرایان نیازمند همگرایی هستند

خبرگزاری فارس

(مدظله العالی)

بیانات مقام معظم رهبری

نظام اسلامی چیزی دارد که بمب و حمله خارجی و مانند آنها بر آن کارگر نیست؛ بلکه آن را مستحکم تر می کند. نظام اسلامی مردم را دارد. تا مردم با نظام اسلامی اند؛ تا مردم اگر ببینند سر و صدایی است، پنجره ها را باز آن می کنند ببینند چه خبر است و اگر به وجود آنها احتیاج است بروند؛ تا جوانان به مسائل انقلاب، احساس حمیت میکنند؛ تا سیاست جزو زندگی مردم است؛ دانشگاه سیاسی است، بازار سیاسی است، جامعه روحانیت سیاسی است و همه و همه در مسائل سیاسی دخالت میکنند، نظر می دهند و تحلیل می کنند، کاری از امریکا و غیرامریکا و بمب اتم و تجهیزات و فنآوری و دلار و غیره برخواهد آمد.



نسبت به شخص مذکور گمان بد برده و این در رفتارم نسبت به آن شخص تأثیر بگذارد. به این ظن ترتیب اثر داده شده و گناه است. این نشان می دهد که قرآن با ظرافت و دقت حتی نسبت به تصور انسان ها از یکدیگر دستورالعمل دارد و اجازه نمی دهد که گمان های بد باعث شوند کرامت انسانی خدشه دار شود.

سپس درباره کنجکاوی در امور شخصی دیگران هشدار می دهد. که این خود زمینه ساز گناه بعدی است که در ادامه می آید. غیبت!

یکی از دلایلی که تفسیر المیزان برای مذموم شمردن غیبت عنوان می کند متزلزل شدن روابط اجتماعی است. وقتی غیبت در جامعه ای رواج پیدا کند ریشه کن کردن آن مشکل می شود و شرایطی را بوجود می آورد که افراد نمی توانند با امنیت خاطر به یکدیگر اطمینان

کنند. و سرانجام با تشبیهی که در ادامه می آورد زشتی گناه غیبت را نشان می دهد و خداوند در آوردن چنین تشبیهی به هیچ وجه قصد شوخی و مزاح ندارد. البته برای دچار نشدن به گناه غیبت ظرافت و دقت نظر زیادی لازم است. مخصوصاً خانم ها که حس کنجکاوی بسیاری دارند و اغلب در میان صحبت‌هایشان بدان دچار می شوند. اینکه می گویم اغلب بی دلیل نیست.

همه این ها نشان دهنده دقت نظر قرآن در رابطه با سبک زندگی صحیح است که از فکر انسان شروع و درنهایت پایه های عمل و خود عمل را نیز در بر می گیرد.

کنند. برخی نیزبا اسم نویسی در انتخابات واینکه دلیل آمدنشان را درخواست فرد خاصی بیان می کنند،که این افراد خاص خود را در عرصه های گذشته نشان داده اند. این کاندیداها با گفتن چنین جملاتی خود را تا حدی زیر سوال می برند.افرادی نیزبا آنکه هنوز وارد عرصه ی ریاست جمهوری نشدند،کارهای قبلی خود را نمایان می کنند اما همانطور که در نامه ی امام علی(ع) به مالک اشترآمده است«کارهایی که انجام داده اید،بزرگنمایی نکنید»انجام دادن وظایف چیزی نیست که بخواهیم آنرابروزدهیم.بنا به گفته ی رهبری نباید مرز میان شما ودشمن کم رنگ شود..نباید پاک شود.یعنی وقتی این مرز برداشته شد مسلماً این ما هستیم که در این مسیر بازنده هستیم،این مرز بایدمشخص باشد تا دشمن نتواند به راحتی پایش را از گلیمش فراتر بگذارد.این دیگر چیز کاملاً بدیهی است که دشمن با پیشرفت ایران در همه ی زمینه ها،علمی،فرهنگی،دینی و...مشکل دارد ودرهر،زمینه ای به نحوی وبا ریزترین چیزهایی که ما حتی فکرش را نمی کنیم خود را وارد می کند.افراد بسیارمعدودی هستند که با کارها وبرنا مه های دشمن سرگرم هستند وبا افکار نادرست خود،برنا مه های دشمن را پیش می برند.برداشتن یک گام ازسوی ملت ایران ،جهت پیشرفت وسربلندی،صد گام از سمت دشمنان رابه سوی ما برمی دارد.شرکت در انتخابات حق ماست ونباید اجازه دهیم که دیگران به نوعی این حق را از ما بگیرند پس با شرکت در انتخابات وظیفه ی خود را در قبال این حق انجام دهیم.

مهدیه نخعی



سخن سردیر



با عرض سلام و خدا قوت خدمت همه کسانی که این نشریه را می خوانند. پیرو شماره های گذشته یکی دیگر از نکاتی که در راستای سبک زندگی صحیح ، در قرآن کریم آمده می پردازیم.

خداوند در سوره حجرات آیه ۱۲ می فرماید :

ای اهل ایمان ! از بسیاری از گمان ها {در حقّ مرد} بهره‌یزید ؛ زیرا برخی از گمان ها گناه است و {در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهندتفحص و پی‌جویی نکنید ، و از یکدیگر غیبت ننمایید ، آیا احدی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد ؟ بی‌تردید {از این کار} نفرت دارید ، از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

در همین یک آیه به چند نکته اشاره شده است. نکاتی واضح و شیوا که برداشت کردن آن ها از آیه سخت نیست.

البته همیشه نیاز است که برداشت خود از آیات را با تفاسیر معتبر چک کنیم. اول درباره ظن و گمان بد هشدار می دهد. با مراجعه به تفسیر المیزان متوجه می شویم که ظن خود به تنهایی گناه نیست . همانطور که ظاهر آیه هم می گوید بعضی از ظن ها گناه هستند. در این باره هم کدام ظن ها گناه هستند گفته شده ، در صورتیکه به عنوان مثال دوست من از شخص دیگری که می شناسم نزد من بدگویی کند و این باعث شود که

تأثیر رسانه

در فضای انتخاباتی



رهبرانقلاب اسلامی:«رسانه های دشمن ازمدتی پیش برای دلسردکردن مردم ازانتخابات برنامه ریزی می کنند.»گاهی اوقات رسانه ها(منظوررسانه های ملی)چیزی رامی گویند یا اتفاقاتی رابیان می کنند که شاید نشان دادن آن کارصحیحی نباشداما مردم ایران که خود اخلاق اسلامی را به بهترین شکل ممکن می دانند،خیررا از شر تشخیص می دهند. برخی ازرسانه ها برداشت های شخصی وذهنی خود را به نمایش می گذارند که کارصحیحی نیست.نباید اذهان مردم را به سمتی غیر ازحضور حداکثری در بحث انتخابات برد.برخی رسانه های بیگانه، اوضاع راجوری نشان می دهند که گویی کسی دراین مملکت وجود ندارد وچیزی نمی داند.جالب این است که برخی شبکه ها اکثراین خبرها را

دروبالگ های شخصی خودنقض می کنند.برخی افراد تا قبل ازکاندید شدنشان ،با آمدن ونیامدن خود وبزرگ نشان دادن آن ،اذهان را به سمت دیگری سوق دادند. متأسفانه عده ای با قلم ومطبوعات وعده ای هم با ابزارها ی مخالفت با اشخاص،تنش ایجاد کرده وفضا را آلوده می

روزنه بصیر

در عین این که دولتها و قدرتها و اداره‌کنندگان جهان، برای مصالح دولتها و مسایل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می‌روند، تمام تلاشهای استکبار در جهت تضعیف ملتها و بخصوص ملت اسلام و ایجاد اختلاف بین اینها به‌کار می‌رود

مقام معظم رهبری مدظله العالی

استقلال اقتصادی زن



«و للنساء نصيب مما اكتسبن»

برای زنان برای آنچه که بدست میاورند بهره ای هست.

در غرب از سال ۱۸۸۲یعنی حدود ۱۲۰ سال قبل به زن استقلال اقتصادی دادن که آن هم به خاطر خود زن نبود ،اینکه چرا اروپا ناگهان استقلال اقتصادی به زنان داد ،به آزمندی و حرص صاحبان کارخانه بر می گردد. برای اینکه به سود بیش تری برسند و مزد کمتری به آنها بدهند ،به همین خاطر این قانون (استقلال اقتصادی زن)را وضع کردند که این چیزی نبود جزء خانه براندازی ،یعنی همان تزلزل خانواده

اما در اسلام زن از همان خلقت بشر، استقلال داشت که علاوه براستقلال اقتصادی هیچ گونه تکلیفی در قبالش به عهده نداشت .

چرا خانم برای خروج از منزل برای کارهای مباح و مستحب باید از آقا اجازه بگیرد ؟

ما در بحث های قبل گفتیم یکی از وظایف آقا محافظت از نسل است پس این هم جزء وظایف مرد است به هر حال مرد محیط اجتماع را بهتر می شناسد و از مشکلات آن با خبر است پس اگر زن اجازه نگیرد و مرد هم از آن مشکلات با خبر باشد اگر برای زن مشکلی پیش بیاد این مرده که باید جوابگوباشد و به همین علت است که خدا می گوید« الرجال قوامون للنساء.»

پس در برابر هر حقی که خدا به مرد می دهد وظیفه ای هم از او می خواهد پس مرد باید مواظب باشد که وظیفه ی حریم داری به خطر نیافتد چون مرد نسبت به خطرات بیرون تجربه ی بیش تری دارد .

نفقه

کسانی که باید نفقه ی زن را بدهند شامل:۱_ پدر و پدر بزرگ (اگر پدر نبود) ۲_ شوهر ۳_ فرزند ۴_ حکومت اسلامی

نفقه شامل :خوراک ،پوشاک،مسکن و موارد ضروری می باشد .

در موارد ۲و۳ اگر نفقه از مقدار خودش بیش تر بود اشکالی ندارد ،بلکه مستحب هم هست ولی در مورد ۱۴اگرمقدار نفقه از آن حد خودش بیشتر باشد نه تنها مستحب نیست بلکه حرام است ،باید در حدی باشد که کرامت انسانی حفظ شود و اگر بیش تر شود و انگیزه ی طلاق بیش تر میشود و به دنبال آن بنیان خانواده متزلزل می شوداگر شخص نفقه ندهد نه تنها گناهکار است بلکه اگر از زیر بار وظیفه شانه خالی کند زن حق دارد به صورت یک امر حقیقی از دادگاه بخواهد رسیدگی کند و در صورت اثبات از مرد بگیرد . و توجه کنیم که مرد مظهر نیاز و احتیاج و زن مظهر بی نیازی است . پس قائده ی میزان حداکثرنفقه بر اساس ۱_عرف جامعه ی مذهبی ۲_شان اجتماعی دختر مشخص می شود .

پس در امر ازدواج پسر باید به اینکه دختر در چه شرایط خانوادگی بزرگ شده توجه کند که در تأمین نفقه ی زن با مشکل مواجه نشود و متناسب با شأن اجتماعی دختر باشد افرادی می گویند که با دادن نفقه آقا به خانم،خانم را اسیر خودش می کند که هر چه آقا می گوید گوش کند ؟

اولا این خانم که به آقا منت میذاره ثانيا ما انواع نفقه داریم نفقه ی آقا به خانم ، آقا به بچه ،آا به پدر و مادر فقیر

خب با این حال هیچ کس نمی گوید بچه یا پدر و مادر اسیر و مملوک آقا

پاسخ به شبهات ولایت فقیه

رهبری مشکلات جامعه را میداند قدرت هم که دارد،خوب حل کند این مشکلات را!!!

شاید این شبهه برای شما نیز پیش آمده باشد ویا از گوشه کنار شنیده باشید که چرا رهبری مستقیما برای حل مشکلات اقدام نمی کنند؟

جواب:

نظام جمهوری اسلامی ما مانند هر نظام دیگری که در دنیاوجود دارد،دارای قانون است.بر اساس قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ما حدود اختیارات ولی فقیه وهمچنین رئیس جمهور ومسئولین سایر قوا مشخص شده است

وهمه در مقابل مسئولیت خودموظف اند و بایدپاسخگوباشند

یکی از وظایف رهبری: تدوین سیاستهای کلی نظام است که این کار صورت گرفته است اما انجام آنها مخصوصا جزئیات وچگونگی انجام آن(مسئولیت امور اجرایی کشور)به انتخاب ملت به عهده دولت وشخص رئیس جمهور گذاشته شده است

محسوب می شوند .

چرا دادن نفقه واجب شده است ؟

۱_خانم قبل از این که ازدواج کند نفقه ی دائمی و قطعی از پدرش می گرفت و اکنون با ازدواج این کانال نفقه از طرف پدر قطع می شود پس مرد هم باید این خلا را پر کند ۲_در مسابقه ی کسب رزق و روزی که مرد ابزار بیش تری دارد خانم نمی تواند در این مسابقه، کسب رزق و روزی کند چون توانایی کار همیشگی و دائمی را ندارد و از طرف دیگر حتی توانایی انجام کار هم داشته باشد باز ۹ ماه بارداری و دوران شیر دهی و تربیت بچه هم هست که طی این مدت از مسابقه ی کسب رزق و روزی جا می ماند پس این ظلم به زن محسوب می شود در صورتی که خدا ظلم نمی کند ملاک نفقه دادن مرد به زن،احتیاج زن نیست ،و همین طور نفقه در قبال اذن و تمکین نیست بلکه نفقه در قبال عقد است .

احتیاج زن به پول و ثروت از احتیاج مرد بیش تر است .تجمل و زینت جزءزندگی زن و از احتیاجات اصلی زن است آنچه یک زن در یک زندگی معمولی خود خرج تجمل و زینت و خود آرایی می کند برابر است با مخارج چندین مرد .میل به تجمل به نوبت خود ،میل به تنوع و تفنن را در زن بوجود آورده است ،برای یک مرد یک دست لباس تا وقتی قابل پوشیدن است که کهنه و مندرس نشده باشد ،اما برای یک زن تا وقتی قابل پوشیدن است که جلوه ی تازه ای به شمار رود .توانایی کار و کوشش زن برای تحصیل ثروت از مرد کمتر است ،اما استهلاک ثروت زن به مراتب از مرد بیش تر است .زن برای باقی ماندن جمال و نشاط و غرور،نیاز به آسایش بیشتر و تلاش کمتر و فراغ خاطر بیشتری است. اگر زن مجبور باشد مانند مرد دائما در تلاش و کوشش و در حال دویدن و پول در آوردن باشد ،غرورش در هم می شکند ،چین ها وگرههای که گرفتاریهای مالی به چهره و ابروی مرد انداخته است در چهره و ابروی او پیدا خواهد شد . ما این را مکرر شنیده ایم که زنان غربی دائما در کارخانه ها و کارگاهها و به اجبار در تلاش هستند و آرزوی زندگی زن شرقی را دارند و مشخص است زنی که آسایش خاطر ندارد ،فرصتی نخواهد یافت که به خود برسد و مایه ی آرامش مرد باشد .پس تنها مصلحت زن ،بلکه مصلحت مرد و کانون خانوادگی نیز در این است که زن از تلاش های اجباری خرد کننده معاش ،معاف شود .مرد هم می خواهد کانون خانوادگی برای او کانون آسایش و رفح خستگی و فراموش خانه ی گرفتاریهای بیرونی باشد .زنی قادر است کانون خانودگی را محل آسایش و فراموش خانه ی گرفتاریها قرار دهد که خود به اندازه ی مرد خسته و کوفته ی کار بیرون نباشد .پس آسایش و سلامت و نشاط و فراغ خاطر زن، برای مرد ارزش فراوان دارد . راز اینکه مردان حاضرند با جان کندن پول درآورند و دو دستی تقدیم زن خود کنند تا او با آسایش خاطر خرج خود کند این است که مرد ،نیاز روحی خود را به زن دریافته است . و دانسته که خداوند زن را مایه ی آسایش و آرامش روح او قرار داده است .(و جعل منها زوجها لیسکن الیها) و دانسته که هر اندازه موجبات آسایش و فرغ خاطر همسر خود را فراهم کند ،غیر مستقیم به سعادت خود خدمت کرده است و کانون خانوادگی را رونق بخشیده است و در یافته است که از دو همسرلازم است لاقل یکی مغلوب تلاش ها و خستگی ها نباشد ،تا بتواند آرامش دهنده ی روح دیگری باشد ،و در این تقسیم کار ،آنکه بهتر است در معرکه ی زندگی وارد نبرد شود مرد است و آن که بهتر می تواند آرامش دهنده روح دیگری باشد زن است . زن از جنبه ی مالی و مادی نیازمند به مرد آفریده شده است و مرد از جنبه ی روحی. زن بدون اتکا به مرد نمی تواند نیاز های فراوان مادی خود را که چندین برابر مرد است رفع کند .به همین خاطر است که همسر قانونی زن،نقطه ی تکیه گاه اوست . و حکمت این تفاوت ها ی زن ومرد این است که این دو به یک دیگر نزدیک و متحد شوند. مردان شکارچی این نکته را دریافته اند که احتیاج فراوان زن به پول اگر از شوهر بریده شود زن به آسانی به دامن شکارچی خواهد افتاد پس می توانیم نتیجه بگیریم که لغو نفقه موجب ازدیا فحشا میشود.

نسیبه برآهویی

خروج سفیانی از علائم حتمی ظهور

این روزها اتفاقات بسیارزیادی در گوشه کنار دنیا رخ میدهد؛اتفاقاتی که نمی توان بی توجه ازکنارآنهاردشدوآنهارایه دست فراموشی سپرد.رخ دادهایی که شایدسرنوشت جهان رارقم بزنند،سرنوشتی که همه ی عالم ازآفرینش انسان تابه الان منتظرآن هستند.برپایی حکومت عدل الهی به دست تنها انسان کامل عصر حاضر حضرت مهدی(عج).

یکی ازاین اتفاقات تحولات سوریه است، ازعلائم حتمی ظهورفتنه شامات وخروج سفیانی ازاین منطقه است. با توجه به روایات متعدد ، پیش از ظهور منجی عالم بشریت در شام یا همان سوریه امروزی فتنه ای رخ می دهد که به راحتی پایان نمی یابد و هرگاه که امیدی برای پایان آن به وجود آید و در قسمتی آتش فتنه فروکش کند دو باره شعله های فتنه از جای دیگری سر بر می آورد و امید ها را از بین می برد.

این فتنه و آشوب و هرج و مرج ادامه می یابد تا آنجا که حکومت مرکزی را بسیار ناتوان می سازد تا حدی که از مقابله با ضعیف ترین گروه ها و دشمنان هم ناتوان می شود آنگاه مردم در معرض کشتار و قتل عام و فشار اقتصادی و امنیتی شدید قرار می گیرند و کشور دچار جنگ داخلی شده و نهایتا سه گروه با هم درگیر می شوند که یکی از این سه گروه که فرماندهی آن را شخصی به نام «سفیانی» برعهده دارد بردیگران غلبه می کند او همان دشمن سر سخت حضرت مهدی (عج) به شمار می رود و....

از امیرالمومنین (ع) روایت شده که فرمودند:

«از سه نشانه، انتظار فرج داشته باشید، پرسیدند ای امیرمؤمنان آنها کدامند؟ فرمود: اختلاف اهل شام در بین خودشان و...»

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود:

«قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) فتنه ای پدید می آید که مردم را سخت در محاصره قرار می دهد، پس مبادا اهل شام را دشنام دهید زیرا مؤمنان حقیقی از آن سامان هستند، بلکه ستمگران آنها را نفرین کنید و خداوند بزودی قضا و قدری از آسمان می فرستد تا آنها را پراکنده سازد بگونه ای که اگر روبهان با آنها درآورزند، بر آنان پیروز می گردند،و...»

امام باقر (ع) می فرمایند:

«منتظر بانگ سفیانی باشید که به طور ناگهانی از دمشق شنیده می شود، در این بانگ فرج عظیمی برای شماست، زیرا که این بانگ نوید بخش پیروزی بزرگ شماست.»

اوضاع الان منطقه سوریه بسیار مشابه به ظهور سفیانی در شامات دارد- کشتارهای بسیار بیرحمانه وکم سابقه وبرخورد منافقانه ی تروریست ها در این منطقه -البته به این باید نکته توجه داشته باشیم که درطول تاریخ اتفاقاتی افتاده است که باعلائم ظهورحضرت همخوانی داشته است ولی ظهوررخ نداده است.اینبارهم شاید این تحولات در منطقه هیچ ارتباطی به ظهور نداشته باشد.

اما هر صبح می خوانیم که«انهم یرونه بعیدا ونریه قریبا» وباید امیدوارباشیم اگر خدا بخواهد این حوادث با حوادث قبل از ظهور گرہ بخورد واین ظلم وستم وحشیگری های نا اهلان در حق عالم بشریت با ظهور دردانه ی عالم به پایان برسد.

ودر پایان گفتن این نکته خالی از لطف نیست که همه ی اینها تنها تلنگری است برای خودمان که از خواب غفلت بیدار شویم و خود را برای آمدنش آماده سازیم ودر روز که در انتظار آن هستیم از قافله ی یارانش عقب نمانیم و افسوس نخوریم.

آسیه امان اللهی



همچنین ما باید بدانیم:وقتی یک فرد را بعنوان رئیس جمهورانتخاب میکنیم یعنی سیاست های اقتصادی ، بین المللی وفرهنگی او را تایید کرده ایم

وقتی ما با رای مان این سیاستها را تاییدکردیم ،رهبری چرا باید قانون را نقض کند؟!

اگر قرارباشد رهبری در هرکاری ورود داشته باشند که دیگر قانون ،قانون نیست و اگر رهبری نخواهد به قانون پایبند باشد،عدالت اش زیر سؤال میرود که نتیجه اش میشود حکومت دیکتاتوری نه اسلامی!

از طرفی رهبری مشکلات را به مسئولین مربوطه تذکر داده وراهکار نیز ارائه می دهند اما حل بسیاری از مشکلات نیاز به زمان دارد به ویژه در زمینه اقتصادی که

شاید مشکل اصلی آن خود ما باشیم(عدم حمایت از کالاهای داخلی و...)

البته باید توجه داشته باشیم که رهبری طبق قانون اساسی هر اقدامی از قواها سر زند که باعث شود انقلاب از مسیر وخط ومشی اش منحرف شود واز آرمانهایش فاصله بگیرد(صلاح مملکت مسلمین درمیان باشد) شرعا حق ورود ورسیدگی دارندو در غیر این صورت این رئیس جمهور وکادر اجرایی ایشان است که باید پاسخگو باشد.

اسماء اسکندری نسب

کار مطبوعات به خاطر همین تأثیری که بر روی ذهن و به تبع آن عمل و رفتار یک مجموعه‌یی از مردم دارد؛ نمی‌تواند به عنوان یک شغل محض و شغل کاسبانه مطرح بشود

بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

دست پخت جدید صدای آمریکا



«هوشنگ امیر احمدی» که با دلال رابطه ایران و آمریکا مشهور شده است و خود را به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرده است با حضور در برنامه افق صدای آمریکا با لحنی محافظه کارانه برنامه های انتخاباتی اش را بیان کرد. هوشنگ امیراحمدی درباره شایعه دستگیری اخیرش در فرودگاه امام خمینی(ره) گفت: «من را دستگیر نکردند؛ بلکه چون بیرون فرودگاه عده ای منتظر من بودند و مقامات نگران بودند جریان از کنترل خارج شود من را از طریق VIP خارج کردند. همیشه وقتی به ایران می روم سؤال و جواب هست و این مسأله عادی و طبیعی است؛ اما بی احترامی و بازجویی نبود. بیشتر بحث دوستانه بود.»

وی که گویا عزم خود را برای انتخابات جزم کرده است از شورای نگهبان خواست که وی را تأیید صلاحیت کند.

بخشی از سخنان جالب و انتخاباتی این کاندیدای ساکن آمریکا را مرور می کنیم:

❖کمپین ما در ایران بسیار محبوب است.

❖من دنبال سهم خواهی نبوده و نیستم. من دنبال انتخابات هستم. اعتقاد دارم حتما باید در انتخابات شرکت کرد؛ چه به عنوان رأی دهنده و چه به عنوان کاندیدا.

❖مقام رهبری هم تأکید کرده اند که هر کس به خدا و به نظام اعتقاد دارد و معقول است و برنامه دارد باید شرکت کند؛ من هم به خدا و هم به نظام اعتقاد دارم، معقول هم هستم.

❖تنها کاندیدایی هستم که برنامه دارم. بنده در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد میدان شده ام و این حق شهروندی من است.

❖برای مذاکره با آمریکا، من کسی هستم که سال ها در آمریکا زندگی کرده ام، آمریکایی ها من را می شناسند، زبان و فرهنگشان را می دانم، زبان و فرهنگ ایران را هم می دانم. ❖من سال ها با جو بایدن، جان کری و چاک هیگل کار کرده ام و حتی بعضی از آن ها به خانه من آمده اند! من تمام بازیگرهای رابطه با آمریکا را می شناسم. ❖مشکل ایران و آمریکا، مشکل غنی سازی و تروریسم نیست؛ بلکه مشکل بی اعتمادی است. من می توانم این اعتماد را به وجود آورم و در چارچوب آن، مشکل غنی سازی و دیگر مشکلات را حل کنم؛ البته حتما به پشتیبانی رهبر جمهوری اسلامی نیاز خواهم داشت و این کارها را بدون اجازه ایشان انجام نمی دهم.

❖خیلی از کاندیداهای کنونی انتخابات دنبال سهم خواهی هستند؛ اما من نیستم. جالب این جاست که اکثر این ها در گذشته مخالف یارانه ها بوده اند اما حالا موافق شده اند. چطور این ها می خواهند معجزه کنند و مشکلات را حل کنند؟ این ها مسأله ساز بوده اند حالا می خواهند مسأله حل کنند. من مسأله ساز نبوده ام و امروز می خواهم مسأله حل کن شوم.

❖دوستی من با آقای مشایی هیچ فرقی با دوستی من با بقیه دولتمردان جمهوری اسلامی نداشته است. من با آقایان احمدی نژاد، خاتمی و هاشمی و با وزرا و سفرایشان رفت و آمد داشته ام. متأسفانه برخی رابطه من و آقای احمدی نژاد را بیش از آن چه وجود داشته باشد بزرگ کرده اند.

❖آقای مشایی مثل همه شهروندان حق دارد در انتخابات شرکت کند.

❖متأسفانه یکی از مشکلات این است که گروه های سیاسی به جای آن که رقیب باشند عملا دشمن یکدیگر شده اند. این ها متأسفانه به سخنان رهبری گوش نمی کنند. ❖به نظر من بزرگ ترین خطر در جمهوری اسلامی این است که کسی رهبری ایران را تضعیف کند.

❖من در چارچوب نظام حرکت می کنم و امیدوارم رد صلاحیتم نکنند. من معتقدم اگر شورای نگهبان مرا رد صلاحیت کند مخالف منافع ملی کشور حرکت کرده است. من بیش از بقیه افراد در ۳ چیز قدرت دارم: ۱. در دعوایهای سیاسی من تنها کسی هستم که عضو هیچ جناحی نبوده ام و می توانم همه جناح ها را آشتی دهم. ۲. بهتر از همه می توانم مشکل رابطه با آمریکا را حل کنم. ۳. قدرت اقتصادی دارم. من پرفسور اقتصاد هستم.

❖واقعیت این است که الان هر کس با یارانه ها مخالفت کند برنده نمی شود! جامعه ۷۰ میلیونی ایران نیاز به کمک دارد.

❖من برای ملت ایران برنامه ای روی میز گذاشته ام.

❖رئیس جمهور باید مشکلات را حل کند و برای این کار حتما باید با رهبر هماهنگ کند. رهبری می خواهد مشکلات حل شود؛ اما افرادی که می آیند توانایی ندارند.

زهرآبایی



مخملباف، قبادی،پناهی! در جشنواره ضدایرانی

در سال‌های اخیر بخصوص بعد از حواث انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و ناامیدی غرب و گروهک‌های ضد انقلاب از عناصر خودفروخته داخلی و شکست پروژه کودتای مخملی، پروژه‌ای با شرکت بازیگرانی جدید با هدف سیاه‌نمایی از وضعیت موجود داخل ایران و تهیه خوراک برای سازمان‌های صهیونیستی ضد ایرانی در حال اجرا است.

«جشنواره فیلم «کوسموراما» «Kosmorama» در نوژ که به تازگی میزبان برخی از به اصطلاح فیلم‌سازان و ضد انقلاب مانند «محسن مخملباف»، «بهمن قبادی» و «سوسن تسلیمی» بود. ما وقتی به بررسی فیلم‌هایی که در این جشنواره روی صحنه رفته و افرادی که به این جشنواره به عنوان به اصطلاح کارشناس فیلم ایرانی دعوت شده‌اند پرداخته شود، به نتیجه می‌رسیم که این فیلم‌ها و کارگردان‌ها نه تنها نماینده فرهنگ و جامعه ایران نیستند، بلکه به سیاه‌نمایی ناچسب از ایران و جامعه ایرانی پرداخته.

اگر نگاهی به گذشته و سابقه به اصطلاح کارگردان‌های این فیلم‌ها انداخته شود، به افرادی مانند محسن مخملباف برخورد می‌کنیم که سابقه سیاهی در همکاری با سازمان‌های تروریستی و رژیم صهیونیستی دارند.

یکی از اهداف مهم اینجشنواره تبلیغ فیلم «باغبان»،رپورتاژ آگهی فرقه ضاله بهاییت است.

«محسن مخملباف» پس از ساختن فیلمی ضد اخلاقی با عنوان «سکس و فلسفه» که در آن به صراحت اخلاق جنسی را زیر سوال برده و به قول «شهید آوینی» خود را «مدافع لیبرالیسم جنسی» معرفی کرده بود، در به اصطلاح فیلم خود با عنوان «باغبان» به تبلیغ مستقیم «فرقه ضاله بهائیت»، پرداخته است.

وی در آخرین ساخته‌اش در سفر به فلسطین اشغالی و با سفارش صهیونیست‌ها فیلمی به مستندى را جلوى دوربین برد. در این مستند مخملباف به همراه پسرش یک آگهی تبلیغاتی برای فرقه ضاله و انگلیسی ساخته بهائیت می‌سازد تا اوج انحراف فکری و عقیدتی خود را برملا سازد.

یکی دیگر از فیلم‌های ضد ایرانی و ضد اخلاقی جشنواره ، فیلمی به کارگردانی بهمن قبادی است.

«بهمن قبادی دستیار کیارستمی بود و خیلی ها قبادی را سایه کیارستمی می دانستند، اما این سایه هیچ گاه رنگ نگرفت. قبادی از فیلم «کسی از گربه های ایرانی خبر ندارد» به این سو پس از دلسرد شدن نسبت به اوج گیری در فضای جشنواره‌ای برای دیده شدن به سمت جنجال های سیاسی و در نهایت در آغوش ضد انقلاب رفت. فیلم فصل کردند، نمونه‌ای از کارهای تبلیغاتی قبادی برای سازمان‌های صهیونیستی ضد ایرانی است.

با حضور بهروز وثوقی بازیگر فیلم‌های فارسی پیش از انقلاب، مونیکا بلوچی بازیگری که در هالیوود به بازی در فیلم های ضد اخلاقی مشهور است در روی صحنه رفت.

نکته جالب توجه در این فیلم، پخش صحنه‌های مستهجن و به دور از اخلاق است که قبادی برای جذب تماشاگر سطحی به خوبی از آن بهره برده است.

در راستای اهداف دوفیلم از جعفر پناهی به نمایش در آمد.

فیلم سینمایی «پرده بسته» ساخته کارگردان حامی فتنه سبز جعفر پناهی، که بدون مجوز تولید و به سفارش غرب و ضد انقلاب ساخته شد.

فیلم پناهی که قبلا هم در جشنواره فیلم برلین نمایش داده شده بود مانند دیگر فیلم‌های ضد ایرانی جشنواره نوژ به سیاه‌نمایی از زندگی مردم ایران می‌پردازد و تمجید رسانه‌ها غربی را برانگیخته است، به‌طوری که رسانه‌های غربی فیلم پناهی را بازتاب تنش‌ها و جو بسته موجود در ایران دانسته‌اند.

معمولا نشست‌هایی که در حاشیه فستیوال‌های هنری بین‌المللی صورت می‌گیرد، میزگردهایی تخصصی درباره آن حوزه خاص است، اما نشست‌های حاشیه‌ای بسیاری از فستیوال‌های اروپایی که فیلم‌های ایرانی را به نمایش می‌گذارند، ماهیتی تماما سیاسی داشته.

مریم روزبهانی



هر دو مخملبافند اما این کجا و آن کجا ???

BBC و ترسیم فضای انتخاباتی ایران



صراط: بی بی سی فارسی این روزها، اخبار انتخاباتی اش را بیشتر کرده است و می‌کوشد با ارائه اخبار و گزارش های منفی، فضای انتخاباتی ایران را منفی و متشنج جلوه دهد.

بی بی سی فارسی در این گزارش فضای انتخاباتی ایران را این طور پوشش می‌دهد:

- ❖ تنها اصول گرایان برای رسیدن به کرسی ریاست جمهوری ایران پا پیش گذاشته اند.
- ❖ هر کدام از نامزدهای اصول گرا گمان می‌کنند می‌توانند مشکلات را حل کنند.
- ❖کمتر از دو ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری رغبتی میان کاندیداهای اصول گرا برای کنار رفتن دیده نمی‌شود.
- ❖این انتخابات ابهام زیادی دارد.
- ❖میزان تشنج سیاسی خیلی بالاست.
- ❖ در طول سی و سه سال، حلقه افراد و گروه های شرکت کننده در انتخابات تنگ تر شده است.
- ❖ اصول گراها مقبولیت مردمی ندارند.
- ❖ در انتخابات دوره قبل ریاست جمهوری رأی بخش مهمی از رأی دهندگان رבוده شده است.
- ❖ اصول گراها برنامه مشخصی ندارند.

این عبارات تنها بخشی از یک گزارش بی بی سی فارسی از فضای انتخاباتی در ایران است. این شبکه تمام تلاشش را به کار بسته است تا با فضا سازی و منفی بافی بخشی از پروژه کشور متبوعش در انتخابات ریاست جمهوری را پیاده نماید.

گفتنی است در نقد این گزارش بی بی سی فارسی باید گفت:

۱.این شبکه بدون نام بردن از جریان های اصلاح طلب و افرادی همچون آقایان حسن روحانی، عارف، جهانگیری، کواکبیان که اعلام کاندیداتوری کرده اند؛ فضای انتخابات را یکسویه معرفی کرده است. آیا به اعتقاد برنامه سازان بی بی سی، این افراد اصلاح طلب واقعی نیستند و تنها افرادی که آن ها می‌پسندند را باید اصلاح طلب نامید؟

۲.ادعای کنار نرفتن اصول گراها به نفع هم در حالی مطرح می‌شود که دو ائتلاف سه و پنج نفره میان اصولگرایان وجود دارد و احتمال کنار رفتن تعدادی از نامزدها در روزهای آینده زیاد است؛ گرچه حضور همه آن ها هم نه تنها اشکالی ندارد بلکه نشان دهنده فضای باز انتخاباتی در ایران است که هر کس شرایط نامزدی را داشته باشد و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گیرد، می‌تواند در این عرصه وارد شود؛ بر خلاف کشورهایی مانند آمریکا که فضایی دو حزبی دارند و مردم مجبورند میان دو نفر، یکی را انتخاب کنند.

۳.چرا بی بی سی فارسی باید فضای انتخابات ایران را مبهم و متشنج معرفی کند؟ آیا حضور افراد و سلیقه های مختلف و وجود گفتمان میان گروه ها و انتقاد آن ها از یکدیگر به معنای فضای مبهم است؟ جالب این است که رسانه دولتی انگلستان گفت و گوها و انتقادها در ایران را به معنای «فضای متشنج» معرفی می‌کند؛ اما فحاشی ها و استهزای نمایندگان پارلمان انگلستان را «نمادی از دموکراسی و آزادی بیان» می‌داند!

۴.بی بی سی فارسی از یک طرف از تعدد کاندیدها ایراد می‌گیرد، ولی از طرف دیگر می‌گوید: «در طول سی و سه سال، حلقه افراد و گروه های شرکت کننده در انتخابات تنگ تر شده است.» آیا این تناقض نیست؟ بالاخره تعداد نامزدها نسبت به گذشته بیشتر شده است یا کمتر؟! (والا ما که نفهمیدیم چه می‌گویند!!!)

۵. اگر بنا بر ادعای بی بی سی فارسی، اصول گراها مقبولیت ندارند؛ پس چرا رأی مردم در انتخابات ریاست جمهوری نهم و دهم و همچنین دو انتخابات اخیر مجلس و شوراها به اصول گرایان بوده است؟

۶.ادعای تقلب در انتخابات و رבוده شدن رأی هم از آن ادعاهای بی‌پشتوانه این شبکه است که در سال ۸۸ تمام تلاشش را به کار برد تا این ادعا را بقبولاند؛ اما موفق نشد. سؤال اساسی این است که اگر ادعای این شبکه و برخی از اصلاح طلبان افراطی درست است، پس چرا همین افراد تلاش می‌کنند در انتخابات نامزد شوند؟ چرا آقای خاتمی که در رأس اصلاحات تعریف می‌شود، دو دوره در این کشور به ریاست جمهوری رسید، در آخرین انتخابات مجلس رأی می‌دهد و قصد کاندیداتوری در انتخابات این دوره را دارد؟ یا چرا دیگر اصلاح طلبان مثل آقایان عارف، جهانگیری و کواکبیان ادعای تقلب را رد کرده اند؟

زهرآبایی